

## Reading the Visual Aspects of the Grotesque Body in the Iranian Cinema and Theater Posters (1390s)

### Abstract

Grotesque is an artistic and literary form that has appeared in contemporary art, having a history as long as the 16th century. According to Mikhail Bakhtin, a 20th-century literary theorist, a critical approach is formed in the official space of society, which is connected with the values and ways of human social behavior in the contemporary world, and literary, visual, and cultural studies can provide the basis for planning and understanding the dimensions of artistic life. Bakhtin's perspective regarding the Carnival of the Middle Ages led to the creation of a humorous culture within an informal domain. In the history of literature and art, as well as in cultural and social situations, classical laws, standards, and proportions have always contrasted with the grotesque, and any pre-determined conceptual frameworks are abandoned. This critical attitude develops in the formal space of the community, which is related to free emancipation and the formation of a new personality. Also, the grotesque attitude motivates community members to engage in social debate and discuss issues of form and identity change. Grotesque represents conflict, fear, exaggeration, laughter, change, or confusion in the creation of artistic or literary work. The new approach toward social life can be portrayed as a way that everything overpowering, dry, and serious is overturned and mocked to adapt to the surroundings and people. The concept of a grotesque body proposed by Mikhail Bakhtin serves as the theoretical foundation for this study. In a grotesque body, inconsistency, and ambiguity are caused by the reflection of abnormal things in the body and face, resulting in the abandonment of established standards in the representation of the body and face and deform them into something weird yet familiar. The current research began by asking how the visual characteristics of the grotesque body appeared in Iranian theater and movie posters in the 1390s. What are the concepts expressed by the reflection of the grotesque body in 1390s Iranian theatrical and movie posters? The current research aims to analyze the visual features of Iranian theater and movie posters of the 1390s and grotesque features, to convey a novel definition and concept to provide a deep communication with the audience. The descriptive research method includes content analysis and library information collecting methods, through note-taking and image reading. The data analysis method has been qualitative and sampling has been goal-oriented. The results of this research suggest that the idea of grotesque in modern Iranian cultural posters refers to the illustration

Received: 25 Jul 2024

Received in revised form: 10 Sep 2024

Accepted: 12 Oct 2024

**Amirhossein Pormehr Yabandeh**<sup>1</sup> 

PhD Student of Art Research, Department of Art Research, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran.

E-mail: amirhosseinpormehr@gmail.com

**Mohsen Marasy**<sup>2</sup>  (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Art Research, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran. E-mail: marasy@shahed.ac.ir

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2024.376101.667273>

of a human being in connection with nature and an inverted life, expressing an ambiguous element. Also, it covers human disturbances, transformations, and phobias, which have found a critical and societal function. Individual life experiences in the world, combined with an aesthetic model influenced by Bakhtin's viewpoint, have resulted in the construction of an indeterminate border in the works, which creates the distinguishing element of the grotesque in Iranian theater and film posters in the 1390s.

### Keywords

Visual Aspects, Grotesque, Theater Posters, Cinema Posters, Mikhail Bakhtin

**Citation:** Pormehr Yabandeh, Amirhossein; Marasy, Mohsen (2024). Reading the visual aspects of the grotesque body in the Iranian cinema and theater posters (1390s), *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 29(4), 63-74. (in Persian)



## خوانش وجوه بصری بدن گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران

### چکیده

گروتسک با تأثیرگذاری بر ساختارهای مفهومی و گفتمانی، نقشی کلیدی در تولید معنا ایفا می‌کند و حضور آن را می‌توان در پوستره‌های فرهنگی معاصر ایران مشاهده کرد. پژوهش حاضر با این پرسش آغاز گردیده است که بر اساس آرای میخائیل باختین، وجوه بصری بدن گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران چگونه نمود یافته است؟ و

بازتاب بدن گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران، دارای چه مفاهیمی است؟ هدف نیز تحلیل ویژگی‌های بصری پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران و عملکرد ویژگی‌های گروتسک به منظور انتقال معنا و مفاهیمی نو و برقراری ارتباطی عمیق با مخاطب است. روش تحقیق توصیفی-تحلیل محتوا و شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی با مطالعات کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری و تصویرخوانی است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی و روش نمونه‌گیری هدف‌مند است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، مفهوم گروتسک در پوستره‌های فرهنگی معاصر ایران به معنای نمایش پیکره در رابطه با طبیعت و زندگی وارونه است. هم‌چنین به آشفتگی‌ها، دگرگونی‌ها و ترس‌های انسان می‌پردازد. تجربه زیست فردی در جهان هستی، همراه با الگوی زیبایی‌شناسی متأثر از نگاه باختین، مرزی مبهم در آثار ایجاد کرده که به ظهور ویژگی‌های خاص گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای ایران در دهه ۱۳۹۰ منجر شده است.

### واژه‌های کلیدی

وجوه بصری، گروتسک، پوستره‌های تئاتر، پوستره‌های سینمایی، میخائیل باختین

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

امیرحسین پرمهر یابنده<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

E-mail: amirhosseinpormehr@gmail.com

محسن مرائی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول): استادیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه

E-mail: marasy@shahed.ac.ir

شاهد، تهران، ایران.

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2024.376101.667273>

استناد: پرمهر یابنده، امیرحسین؛ مرائی، محسن (۱۴۰۳)، خوانش وجوه بصری بدن گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران، نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۹(۴)، ۶۳-۷۴.

رسیده‌اند که فرم‌های منسجم در بدن از بین رفته و آشنایی‌زدایی حاصل شده است. لذا این امر، موجب ایجاد شوک در تصویر شده و دگرذیبی و تخریب را به همراه دارد. قلی‌پور بلسی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «کارناوال‌گرایی در هزار و یک‌شب» که با هدف اثبات حضور کارناوال‌گرایی و آشکارکردن کارکردهای اساسی آن در هزار و یک‌شب، صورت گرفته است، وجهی متفاوت از زندگی روزمره را نشان می‌دهد که می‌تواند امکانات ناشناخته و دور از نظر صدای برتر و مفاهیم گفت‌وگو را با چالش روبرو کند و با فرمی تقابلی به شنیده شدن صدایی دیگر یاری رساند.

سادات حسینی، شریفی ولدانی و طغیانی اسفرجانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی گروتسک و سیر و پیشینه‌ی آن در ایران» ضمن بهره‌گیری از نظریات باختین درباره‌ی گروتسک، به بررسی سیر تحول تاریخی و کاربرد نموده‌های آن در دوره‌های هنر ایران پرداخته‌اند. نتیجه حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که نمونه‌های گروتسک در ایران، پیش از ورود به عرصه ادبیات، در جنبه‌های تزئینی و همراه با باورها و عقاید دینی بودند که در شرایط اجتماعی مختلف، نموده‌های متفاوتی یافتند. مهدوی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تأثیر ادبیات گروتسک بر تصویرسازی چهل سال اخیر ایران» به این نتیجه رسیده است که نموده‌های تصویری گروتسک بازیابی شده و در مواردی که می‌توان تأثیرپذیری از ادبیات گروتسک را مشاهده کرد، کیفیت‌های مختلفی در هنر تصویری معاصر یافته است. این امر سبب خلق نموده‌های جدیدی نیز شده است. افتخاری یکتا و نصری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نمود بدن گروتسک در نقاشی‌های محمد سیاه قلم بر مبنای اندیشه میخائیل باختین» به بررسی نموده‌های گروتسک و عناصر کارناوالی موجود در پیکره‌های سیاه قلم می‌پردازند. کاربرد خصلت‌های عصیان‌گرایانه و هم‌چنین استفاده از ویژگی‌های جشن که بین پیکره‌ها مشهود است و تمرکز بر بدن دارد، نشان از اهمیت زیبایی‌شناختی است که با خصلت‌های بدن گروتسک باختین متناسب است. هم‌چنین تمامیت بدنی با ویژگی‌های ناهموار، همراه با هیجان، نشان تجدید دوباره است. همان‌طور که در موارد پیشینه تحقیق اشاره شد، در هیچ یک از آثار پیشین به بحث گروتسک در پوستره‌های فرهنگی معاصر ایران پرداخته نشده است. لذا هرگونه تحقیق در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

### مبانی نظری پژوهش

#### پوستر

پوستر یا اعلان، نوعی طرح چاپی است که معمولاً شامل تصاویر و کلمات است و به منظور پیام‌رسانی درباره موضوعی خاص در نسخه‌های متعدد تولید می‌شود (پاکباز، ۱۳۹۹، ۴۰۷). پوستر، واژه‌ای انگلیسی است که در دهه‌های اخیر به زبان فارسی وارد شده است و به معنی «آگهی دیواری» است (افشارمهجر، ۱۳۹۱، ۱۲۵). به عبارتی دیگر، پوستر رسانه و ابزاری برای اطلاع‌رسانی است. پوستر صفحه‌ای است که بر روی دیوار نصب می‌شود و هدف آن آگاهی دادن و اطلاع‌رسانی است (اسدالهی، ۱۳۹۶، ۱۴). طراحی اعلان دارای چند ویژگی ثابت است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آگاهی دادن، جلب مخاطب و انتقال پیام اشاره کرد (فهیمی‌فر، مهرنگار، سینکی و طباطبایی بافقی، ۱۳۹۲، ۹۲). نکته‌ی قابل تأمل این است، یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث تمایز اعلان از

### بیان مسئله

پوسترها، گونه‌ای از آگهی تبلیغاتی هستند که در شاخه‌ی هنر گرافیک جای می‌گیرند. پوسترها بنا به موضوع می‌توانند در دسته‌ی پوستره‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره قرار گیرند. از دسته پوستره‌های فرهنگی معاصر ایران می‌توان به پوستره‌های تئاتر و سینما اشاره کرد که نمودی از مفهوم گروتسک<sup>۱</sup> را در آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. گروتسک، گونه‌ای ادبی و هنری در قرن ۱۶ میلادی به شمار می‌آید که در هنرهای معاصر نیز نمود یافته است و بازتابی از آن را می‌توان در هنر گرافیک ایران، به خصوص شاخه‌ی طراحی پوستر نیز مشاهده کرد که به طرح تقابل‌های دوگانه در جهان، دنیای غیرمنتظره و ناپایدار، هم‌چنین نوع نگاه و شیوه‌ی رفتار اجتماعی انسان اشاره دارد (Haynes, 1995, 299). در هنر ایرانی، تصاویر غریب در مواجهه با متون ادبی و هم‌چنین به دلیل روحیه شخصی ظاهر می‌شود که در بعضی از آن‌ها، وجهی ترساننده و مخوف دیده می‌شود که این دسته بیش‌تر با تعریف گروتسک سازگاری دارد. بدن انسان، یکی از عناصر اصلی است که با بهره‌گیری از آن، روحیات و وضعیت گروتسک تصویر می‌شود (امامی، کامرانی و نصری، ۱۳۹۹، ۴۸-۵۰). بر مبنای دیدگاه باختین می‌توان خوانش و جوه بصری گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران را به عنوان آثار تجسمی تحلیل نمود. پژوهش حاضر در پی پاسخ گفتن به این سؤالات است که بر اساس آرای باختین، و جوه بصری بدن گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران چگونه نمود یافته است؟ و بازتاب بدن گروتسک در پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران، دارای چه مفاهیمی است؟ هدف از پژوهش حاضر، تحلیل ویژگی‌های بصری پوستره‌های فرهنگی معاصر ایران و عملکرد ویژگی‌های گروتسک به منظور انتقال معنا و مفاهیمی نو و برقراری ارتباطی عمیق با مخاطب است. با توجه به نوآوری‌ها و تجربیات جدید در مطالعات مفاهیم هنری، اهمیت این نوع نگاه که دارای ماهیت گفت‌وگومندی نیز می‌باشد، آشکار است و به نظر می‌رسد که نقش مؤثر گروتسک در ساخت معنا بر اساس چارچوب‌های مفهومی و گفت‌وگومندی در آثار هنری، به خصوص در شاخه‌ی طراحی پوستره‌های فرهنگی معاصر ایران حضور یافته و از این حیث، هرگونه بررسی و تحلیل ضروری به نظر می‌رسد.

### روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی محتوا و روش تجزیه تحلیل داده‌ها به روش کیفی است. روش گردآوری داده‌ها اسنادی و از طریق فیش‌برداری و تصویرخوانی است. جامعه تحقیق حاضر، شامل مجموعه آثار پوستره‌های تئاتر و سینمای دهه ۱۳۹۰ ایران است که در آن‌ها از گروتسک استفاده شده است. حجم نمونه مورد مطالعه تعداد ۷ پوستر است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند.

### پیشینه پژوهش

بر اساس اسناد موجود و در دسترس پژوهشگران، پیشینه‌های یافت‌شده بدین شرح می‌باشد. امامی و کامرانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های بدن گروتسک در چهار نقاش معاصر ایران» به تحلیل نمونه‌های مطالعاتی، هم‌سو با ویژگی‌های گروتسک در نقاشی معاصر ایران پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از نظریات باختین به این نتیجه

کتاب *رابله*<sup>۴</sup> هم چنین، در توصیف کارناوال گرایی با طرح پذیرش تفاوت بین خود و دیگری، به عناصر دوگانه، به عنوان مبنای گروتسک اشاره می کند (Dentith, 2005, 227). کارناوال نیز بر اساس الگوی ویژه ای از نمایش، در مرز بین هنر و زندگی قرار گرفته است (Bakhtin, 1984, 6). در این پژوهش، از ایده ی بدن گروتسک میخاییل باختین به عنوان مبنای نظری، مورد استفاده قرار گرفته شده است. گروتسک به معنای مضحک و مسخره، اصطلاحی است که ذیل مفهوم کارناوال باختین مطرح می شود و در هنرهای تجسمی نیز مطرح است. در دایره المعارف هنر، مفهوم گروتسک چنین بیان شده است:

گروتسک یا عجایب پردازی در اصل به شیوه ی آرایش دیوار و سقف سردابه (گرتو)های مکشوف در ویرانه های روم باستان اطلاق می شد که در این تزئینات، شکل های خیالی آدمیان، جانوران و گیاهان در طرحی متقارن به هم بافته شده اند. این اصطلاح در مورد شکل های کژنما و اغراق آمیز، ترسناک یا مضحک، به خصوص مجسمه سازی، به کار برده شد. (پاکباز، ۱۳۸۱، ۴۴۶)

«همه ی نشانه ها و ویژگی های ناتمام، رشد و تکثیر» نمودهای گروتسک به شمار می روند (Ruck, 2009, 11). «بدن گروتسک تجلی جهانی ناتمام و همواره در حال سیورورت با ذاتی دوگانه است که در آن مرگ و زندگی در تقابل با هم قرار دارند. منطق هنری گروتسک، هر نوع سطح بسته و غیر قابل نفوذ را رد می کند» (Bakhtin, 1984, 317). در گروتسک، بدن از قلمروهای شناخته شده گذر می کند، پایان نمی پذیرد و هرگز، کامل نمی شود؛ بر این مبنا، گروتسک مفاهیم مرسوم را در زندگی نقض می کند، تضادهای کارناوالی به نمایش می گذارد و صورت های گوناگون را در کنار یکدیگر به منظور وحدت یافتن، مطابقت می دهد (نولز، ۱۳۹۳، ۱۷). از دیگر نمودهای گروتسک، مضمون دیوانگی است. جنون موجب می شود انسان به جهان از دریچه ای متفاوت بنگرد. در گروتسک مردمی، دیوانگی به معنای تقلید تمسخرآمیز و شادمانه ی عقل رسمی و جدیت محدود حقیقت رسمی است (همان، ۳۲). از ویژگی های اصلی گروتسک می توان به مواردی چون: ناهماهنگی، وحشت آور و خنده آور، رشد و تکثیر، افراط و اغراق، ناهنجاری، تحریف بدن و در آخر تجسدگرایی اشاره کرد که در ادامه به هر یک از این موارد و نمود آن ها در پوستره های تئاتر و سینمای ایران پرداخته می شود.

### بدن گروتسک در پوستره های فرهنگی معاصر ایران

در بدن گروتسک، ناسازگاری و عدم قطعیت به موجب انعکاس امور نامعمول در بدن / چهره است، به صورتی که قراردادهای رایج در بازنمایی بدن / چهره کنار نهاده می شود و بدن به امری غریب و آشنا بدل می گردد (Edward and Rune, 2013, 6).

### پوستره های تئاتر

#### ناهماهنگی

از نمودهای گروتسک می توان به عنصر ناهماهنگی، به معنای تضاد امور ناهمگون و آمیختگی اجزای متجانس اشاره کرد. این ناهماهنگی ها در اثر هنری به صورتی ناموزون ظاهر می شود و نیز دارای بازتابی است که به پنداشت هنرمند و طینت وی منتهی می شود (دهکردی، فنایی، دهباشی و مجابی، ۱۴۰۲، ۴۱-۴۲). در تصویر (۱)، پوستر تئاتر به وقت پازولینی مشاهده می شود. نویسنده و کارگردان این نمایش نامه، آرش

دیگر رسانه ها می شود، نیاز بسیار زیاد آن به رساندن سریع و صریح پیام و سرعت آن در برقراری ارتباط با مخاطب است. هر اعلان در پی آن است که توجه را به پیامی جلب کند (محمدزاده، ۱۳۹۷، ۱۶). لذا می توان گفت، عمومی ترین شرط در طراحی پوستر رعایت دو اصل «خوانایی» و «قابل درک بودن پیام» است (وطنی شه میرزادی، ۱۳۹۲، ۳۱). پوسترها می توانند شامل موضوعات اجتماعی، فرهنگی، تجاری و یا سیاسی باشند که در این پژوهش به بخش پوستره های فرهنگی پرداخته می شود.

### کارناوال<sup>۲</sup>

کارناوال در فرهنگ لغات دهخدا، کاروان شادی، کاروانی که در ایام معینی از هر سال در ممالک مختلف برای تفریح حرکت دهند معنا شده است (URL1). در واقع، کارناوال یک جشن و یا می توان گفت یک رژه ی همگانی در خیابان است (الهیاری، فدوی و سرسنگی، ۱۴۰۱، ۵۶). در کارناوال ها افراد از ماسک و نقاب هایی استفاده می کنند که شبیه بدن گروتسک است. در کارناوال، ارتباط انسان ها با یکدیگر گسترده می شود (Bakhtin, 1984, 164). بر این اساس زندگی اجتماعی انسان، به قلمرو آرمان شهری، آزادی، برابری و فراوانی نعمت راه می یابد (نولز، ۱۳۹۳، ص ۱۰). به نظر باختین، اصل کارناوال بخشی جدایی ناپذیر از زبان رمان گرا و گونه ای رمان به حساب می آید. به گفته ی وی: «در کارناوال، اسلوب جدید ارتباط انسان با انسان بسط می یابد» (Bakhtin, 1984, 164). کارناوال، استعاره و فضایی است که شرایط ظهور امر گروتسک را ایجاد می کند. کارناوال جشن رهایی موقت از حقیقت غالب و تحکم آمیز است؛ جشنی که در آن، سلسله مراتبها و ممنوعیت ها به حالت تعلیق در می آیند و امر سرکوب شده باز می گردد (امامی، کامرانی و نصری، ۱۳۹۹، ۵۱).

### گروتسک

اندیشه ی باختین<sup>۳</sup> در مورد کارناوال سده های میانه، سبب شکل گیری فرهنگ فکاهی در گستره غیررسمی شد (Bakhtin, 1984, 6). در عرصه ی تاریخ ادبیات، هنر و با در نظر داشتن بسترهای فرهنگی و اجتماعی همواره قوانین، هنجارها و تناسبات کلاسیک در تبیین با گروتسک بوده اند که هرگونه چارچوب های مفهومی از پیش تعیین شده کنار گذاشته می شود (نولز، ۱۳۹۳، ۲۴). با توجه به دیدگاه میخاییل باختین نظریه پرداز ادبیات در سده ی بیستم، رویکرد انتقادی در فضای رسمی جامعه شکل می گیرد که با رهایی آزادانه همراه است و خلق شخصیتی نو را رقم می زند. هم چنین نگرش گروتسک، افراد جامعه را به گفت و گوی اجتماعی و بن مایه های تغییر شکل و هویت سوق می دهد (نلسون، ۱۳۹۵، ۲۶۷). گروتسک در فرآیند خلق اثر هنری و ادبیات، نزاع، ترس، اغراق، خنده آور، تغییر یا سردرگمی را به نمایش می گذارد (تامسن، ۱۳۹۰، ۱۴). نگرش جدید از زندگی اجتماعی را می توان اینگونه بیان نمود که هرآنچه سلطه جویانه، خشک و جدی است واژگون شده، در همراهی برای سازگاری با محیط و دیگران انعطاف یافته و به سخره گرفته می شود (Selden, 1993, 40). مرزشکنی قدرت در عرصه های زندگی موجب ظهور پدیده هایی گسترده می شود که به سبب منافات آن با هنجارهای متعارف اجتماعی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی به ایجاد فضای کارناوالی یاری می رساند (قلی پور بلسی، ۱۳۹۸، ۲۹). باختین در

تأمل است که در آن هر عنصر بصری به دقت انتخاب و به کار گرفته شده است تا پیام اصلی نمایش نامه را به بهترین شکل ممکن منتقل کند. در نهایت، می توان گفت که این پوستر با استفاده از عناصر گروتسک و ناهماهنگی های بصری، توانسته است تا موضوع نمایش نامه را به خوبی منعکس کند و با ایجاد یک تجربه ی بصری قدرتمند، بیننده را به درک عمیق تری از مفهوم گروتسک و تأثیرات آن در هنر و جامعه وادار نماید. این نوع استفاده خلاقانه از گروتسک در طراحی پوستر می تواند به عنوان یک نمونه موفق در ترکیب هنر و پیام های اجتماعی و سیاسی مطرح شود.



تصویر ۱. پوستر تئاتر به وقت پازولینی. طراح پوستر: مهدی رایگانی. مأخذ: (URL2)

### وحشت آور و خنده آور

گروتسک را می توان روش آمیزش حس هایی که متضاد یکدیگرند به حساب آورد. بدین جهت، دو حس خنده و ترس را که مخالف هم هستند، با یکدیگر می آمیزد و به مخاطب منتقل می کند (دهکردی، فنایی، دهباشی و مجابی، ۱۴۰۲، ۴۲). در تصویر (۲)، پوستر تئاتر طوروپ طرب به نمایش گذاشته شده است. نمایش طوروپ طرب به نویسندگی و کارگردانی خیرالله تقیانی پور با استفاده از شیوه های نمایش ایرانی در فضایی شاد و موزیکال، قصه چند مطرب را روایت می کند. این نمایش بر اساس نمایش های ایرانی، با نگاهی به بازی های محلی، نقالی و سیاه بازی شکل گرفته و روایتگر داستان یکی از زنان حرمسرای ناصرالدین شاه است که دسته مطربی را به جشن ملی دعوت می کند و در زمان برگزاری آن، سوگلی ناصرالدین شاه از دنیا می رود (URL4). موزیک و رقص از عناصر اصلی در تصویر (۲) به شمار می رود. در پوستر حاضر، به دلیل استفاده

سنجایی است. موضوع این نمایش نیز سلطه جویی فاشیسم است که بدن انسان، بدنی تسلط پذیر، وحشت زده و در جهت ابزاری برای شکنجه و عذاب قرار گرفته است. این نمایش نامه طبق آخرین فیلم پازولینی، کارگردان سرشناس ایتالیایی نوشته شده است. وی در آخرین فیلم خود با نام سالو یا ۱۲۰ روز در سودوم، بیانیه ای علیه اخلاق فاشیستی و منش سرمایه داری در ایتالیا با کمک رولان بارت آورده است. نکته ی قابل توجه در مورد فیلم سالو این است که تنها ۳ روز پس از انتشار آن، پازولینی به قتل می رسد. نکته ی دیگر راجع به فیلم اشاره شده این است که فیلم سالو، ممنوع ترین فیلم تاریخ سینما به شمار می رود. طراح پوستر از رنگ هایی سرشار از شوربختی توسط دو رنگ قرمز که رنگ خون و خاکستری که رنگی خنثی به شمار می رود، استفاده کرده است. هم چنین، طراح پوستر از عکس پازولینی، کارگردان سرشناس در حالتی که به فکر فرو رفته استفاده کرده و نفرت توسط دو دست که جایگزینی بر زاری و مصیبت های کسی است که دارای جنون می باشد، مورد استفاده قرار گرفته است. لذا بدن گروتسک نیز، نمودی بر درهم شکستگی و خشونت بشری است. گروتسک با آشنایی زدایی، بدنی در حال صبرورت به شمار می رود (Holquist, 2002, 86-87). نکته ی دیگر درباره ی پازولینی این است که شیوه ی کارگردانی او را جادویی نامیده اند. لذا، ناهماهنگی در این پوستر نیز، بر مبنای شیوه ای جادویی رقم خورده و آن بیرون آمدن دست ها از میان قاب عینک است. ترکیب بندی این پوستر با استفاده از تصاویر مختلف و برجسته سازی رنگ ها، بیننده را به سمت خود جذب می کند. ترکیب عکس سیاه و سفید پازولینی با دست های قرمز به گونه ای انجام شده که تضاد و ناهماهنگی را به خوبی نشان می دهد. این دست های قرمز که از عینک خارج شده اند، نمادی از دست های قدرتمند فاشیسم هستند که قصد دارند آزادی فکر و بیان را مسدود کنند. رنگ قرمز در این پوستر نمادی از خون، خشونت و اضطراب است. در مقابل، رنگ خاکستری به عنوان پس زمینه، فضای خنثی و سردی را ایجاد می کند که تضاد بیشتری با رنگ قرمز دارد. دست های قرمز که به شکلی نامتعارف از عینک خارج شده اند، نه تنها نماد خشونت و تسلط فاشیسم هستند، بلکه حس ناآرامی و ترس را نیز به بیننده منتقل می کنند. استفاده از فونت بزرگ و رنگ سفید برای عنوان و اطلاعات، خوانایی و جلب توجه را افزایش داده و باعث می شود که پیام پوستر به خوبی منتقل شود. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، تأثیر روانی این تصاویر بر بیننده است. تصاویر گروتسک، به ویژه هنگامی که با موضوعات اجتماعی و سیاسی ترکیب می شوند، می توانند واکنش های شدیدی احساسی ایجاد کنند. پوستر به وقت پازولینی با استفاده از تصاویر ناهنجار و ناراحت کننده، تلاشی است برای جلب توجه و برانگیختن احساسات عمیق بیننده نسبت به موضوع نمایش نامه. این تصاویر به وضوح نشان دهنده ی وحشت و اضطراب ناشی از تسلط فاشیسم هستند و به بیننده این پیام را می رسانند که باید در مقابل این نوع از ظلم و استبداد ایستادگی کرد. این پوستر نمونه ای برجسته از استفاده هنری از گروتسک برای انتقال پیام های عمیق و تأثیرگذار است. با ترکیب عناصر بصری مختلف و ایجاد تضادهای قوی، طراح موفق شده است تا بیننده را به تفکر و تأمل وا دارد و هم زمان احساسی از ناآرامی و نگرانی را در او ایجاد کند. به این ترتیب، پوستر به وقت پازولینی نه تنها به عنوان یک ابزار تبلیغاتی بلکه به عنوان یک اثر هنری مستقل نیز قابل

تکنیک می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای جلب توجه و نیز برای انتقال مفاهیم عمیق‌تر و پیچیده‌تر به کار رود. در پوستر *طوروپ طرب*، استفاده از گروتسک به خوبی توانسته است این اهداف را محقق کند و یک تصویر چندلایه و پرمفهوم را به مخاطب ارائه دهد که او را به تفکر و تحلیل وادار می‌کند. این پوستر با ترکیب عناصر کارناوالی و گروتسک، تجربه‌ای بصری و حسی را برای مخاطب ایجاد می‌کند که او را به تفکر درباره تضادها و تناقض‌های زندگی و مرگ، شادی و غم، و زوال و تجدید وامی‌دارد. این تجربه بصری نه تنها جذاب و جالب است، بلکه به مخاطب کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از مفاهیم پیچیده و چندلایه‌ای که در این پوستر نهفته است برسد. در نهایت چنین می‌توان گفت که گروتسک به‌عنوان یک ابزار هنری قدرتمند، می‌تواند به هنرمندان کمک کند تا تجربیات انسانی را به شیوه‌ای جدید و متفاوت به تصویر بکشند و مخاطبان خود را به تفکر و تحلیل وادار کنند. پوستر *طوروپ طرب* نمونه‌ای بارز از این استفاده خلاقانه از گروتسک است که توانسته است یک تصویر چندلایه و پرمفهوم را به مخاطب ارائه دهد و او را به تفکر درباره تضادها و تناقض‌های زندگی و مرگ وادار کند.



تصویر ۲. پوستر *تئاتر طوروپ طرب*. طراح پوستر: سعید شکر نیا. مأخذ: (URL3)

### رشد و تکثیر

تئاتر دکله روایت واقعی یک جنایت خانوادگی به نویسندگی و کارگردانی مهدی کوشکی است که در سال ۱۳۹۱ ساخته شده است. این تئاتر اعترافات محکومین به قتل و صحبت‌های مقتول است که در قالب مونولوگ اجرا می‌شود. دکله نمایش یک مستند اجتماعی در مورد خانواده‌ای سه نفره متشکل از پدر، همسر و دختر است. این سه نفر به

از عناصر کارناوالی باختین، دگرپرسی و احساسات متناقض تجلی یافته است. شادی که از حد می‌گذرد به مرگ تبدیل شده که طراح پوستر در قالب اسکلت برای درک بهتر مخاطب به نمایش گذاشته است. تغییر شکل بدن گروتسک نشان از ذات دوگانه‌ی تولد و مرگ دارد که با سیوروت همراه است. بدن شخصیت اصلی به جهان انتقال یافته و با آن ترکیب شده است (افتخاری یکتا و نصری، ۱۳۹۵، ۲۲). همان‌طور که در تصویر (۲)، مشاهده می‌شود، مرگ شخصی که با لباسی منقوش در حال خوشی ترسیم شده پیوسته در ارتباط با مفهوم گروتسک قرار دارد که با امور مادی و جسمانی عالم فرآیند تخریب و نوسازی محسوب می‌شود. بدنی که به انتهای خود رسیده، تمام شده اما جایگاهی نو یافته و برای تجدید و بهبودی خود در تلاش است که مفاهیمی چون طنز، سرگرمی و نشاط را مجسم می‌سازد و در حالیکه به عیش و نوش پرداخته، مشغول نوازندگی نیز هست. گروتسک به‌عنوان یک تکنیک هنری و ادبی، در طول تاریخ هنر و ادبیات جهان به کار گرفته شده است تا تجربیات انسانی را به صورت اغراق آمیز و اغلب هولناک یا خنده‌دار به تصویر بکشد. در پوسترهای تئاتر و سینما، این تکنیک می‌تواند برای جلب توجه مخاطب و نیز برای انتقال مفاهیمی عمیق‌تر از طریق ترکیب عناصر متضاد به کار رود. در این راستا، پوستر *طوروپ طرب* به خوبی توانسته است از تکنیک گروتسک بهره‌برد تا پیام خود را به شیوه‌ای موثر و بصری منتقل کند. یکی از ویژگی‌های بارز گروتسک در این پوستر، استفاده از تصاویر و نمادهایی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد به دنیای شادی و سرور تعلق دارند، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان پی برد که این تصاویر در واقع به مرگ و فنا نیز اشاره دارند. اسکلت که به‌عنوان نماد مرگ شناخته می‌شود، در اینجا با عناصری همچون لباس‌های رنگارنگ و ابزار موسیقی ترکیب شده است که نشان‌دهنده یک جشن و شادمانی است. این ترکیب متناقض از زندگی و مرگ، یکی از اصول اساسی گروتسک را نشان می‌دهد که در آن مرز بین دوگانگی‌ها محو می‌شود و مخاطب را به تفکر عمیق‌تر وادار می‌کند. استفاده از رنگ‌های زنده و شاد در کنار تصاویری که به‌طور سنتی به مرگ و زوال اشاره دارند، تضادی بصری ایجاد می‌کند که توجه بیننده را جلب می‌کند و او را وادار می‌کند که به جزئیات تصویر دقت کند. این روش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تبلیغاتی قدرتمند عمل کند که نه تنها توجه مخاطب را جلب می‌کند بلکه او را به تفکر وادار می‌کند. این تکنیک هم‌چنین می‌تواند به‌عنوان یک ابزار هنری برای بیان نگرانی‌های اجتماعی و فرهنگی به کار رود، چرا که با ترکیب عناصر متضاد، می‌تواند به مخاطب نشان دهد که چگونه مفاهیم پیچیده و گاهی متضاد می‌توانند در کنار یکدیگر وجود داشته باشند. هم‌چنین، استفاده از گروتسک در پوسترهای تئاتر و سینما می‌تواند به‌عنوان یک روش برای نقد و تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در پوستر *طوروپ طرب*، ترکیب عناصر مختلفی که به زندگی و مرگ اشاره دارند، می‌تواند به‌عنوان یک نقد بر فرهنگ و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم تلقی شود. این پوستر می‌تواند به مخاطب نشان دهد که چگونه شادی و مرگ می‌توانند در کنار یکدیگر وجود داشته باشند و چگونه این دو مفهوم متضاد می‌توانند با هم ترکیب شوند تا یک پیام عمیق‌تر و معنادارتر را منتقل کنند. گروتسک به‌عنوان یک تکنیک هنری و ادبی، می‌تواند به هنرمندان و طراحان کمک کند تا پیام‌های پیچیده و چندلایه‌ای را به مخاطبان خود منتقل کنند. این

بر این اساس وارونه شدن شخصیت انسانی در پوستر فوق نیز می‌تواند اشاره‌ای به سرنوشت متفاوت شخصیت‌ها داشته باشد. شخصیت‌های تئاتر دکله در اعترافات خود، واقعیت‌هایی را در مورد خود می‌گوید، با اینکه سعی دارند با گفتن دروغ، خود را بی‌گناه جلوه دهند ولی مشخص می‌شود گناه کار هستند. در حقیقت تناقض عمیقی را می‌توان در میان صحبت‌های آن‌ها مشاهده کرد؛ کسانی که خودشان با دیدی انتقادی به جامعه و مشکلات آن نگاه می‌کنند، معتقدند بی‌گناه هستند (URL6) بر این اساس در ادامه‌ی اعترافاتشان، جرم‌های متعدد خود را بیان می‌کنند که چشم‌ها در این اثر می‌توانند نشان از همین امر داشته باشد. بدن مورد نظر باختین، وجهی مثبت را نمایان می‌سازد و پیوسته در حال تولید مثل، رشد و تکثیر است (Dentith, 2005, 227).

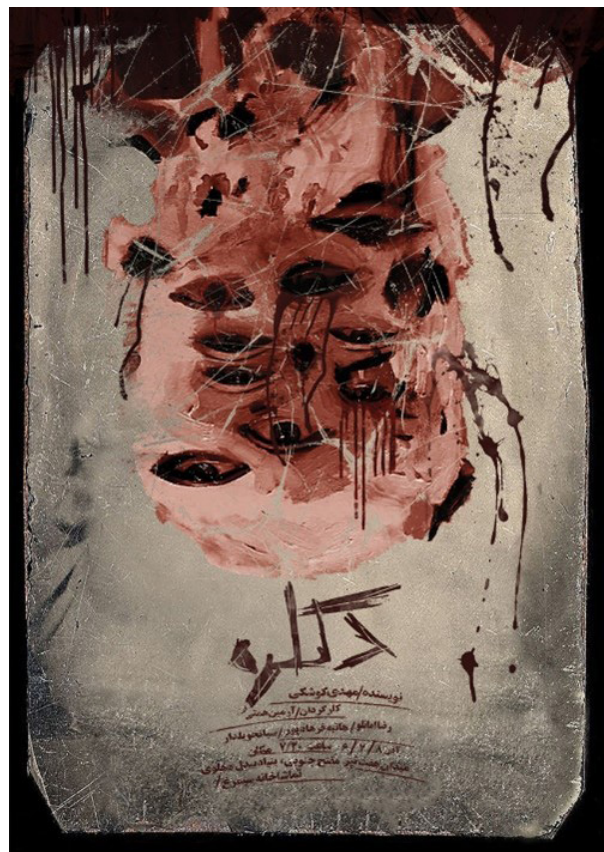
### افراط و اغراق

عنصر دیگری که گروتسک را مشخص می‌کند اغراق و زیاده‌روی به معنای، فرارفتن از تعادل و افراط بیش از حد است (تامسن، ۱۳۹۰، ۲۵-۲۷). رنگ قرمز به کار رفته در تصویر (۴) و اغراق در بازنمایی شعله‌ی آتش که عنصر تصویری قالب در طراحی پوستر حاضر است به نوعی به بارزترین و بیشترین حد خشونت و شرارت اشاره دارد. نمایشنامه امروز ۱۳ ژوئیه توسط یوسف فخرایی با الهام از نمایشنامه مارا ساد توسط پتر وایس نوشته شده و به واقعه‌ی روز قتل ژان پل مارا از انقلابیون فرانسه و دگرگونی‌های اجتماعی - سیاسی آن دوره می‌پردازد. ژان پل مارا پزشک و سیاستمدار به شمار می‌رفت که در پی عدالت، آزادی و برابری، سرانجام جانش را هم در راه انقلاب گذاشت (URL7). ژان پل مارا در کنار دانتو و روبسپیر یکی

جرم قتل عمد در بازداشت به سر می‌برند و در حال بازجویی هستند. یک نفر دیگر هم در این روایت وجود دارد که مخاطب در ابتدا متوجه علت حضورش نیست ولی رفته‌رفته به شیوه‌ی ژانر معمایی پرده کنار رفته و نقش او آشکار می‌شود. او خود را معلم نقاشی معرفی می‌کند. ساختار و فضای خیالی متفاوت از دنیای پیرامون انسان است. انسان، حیوانات و موجودات ناشناخته می‌توانند شخصیت‌های مورد استفاده درون اینگونه ساختار باشند که نمادی از انسان به شمار روند (تالکین، ۱۳۸۵، ۲۲-۱۵). همان‌طور که در پوستر (۳) دیده می‌شود، در نگاه اول تصویری زشت، وحشتناک و قدرتمند به نظر می‌رسد، در ادامه‌ی ردپایی از قرار گرفتن رشد و تکثیر دیده می‌شود که می‌تواند اشاره به اضافه‌شدن شخصیت‌های داستانی داشته باشد. چشم می‌تواند نشان‌دهنده‌ی عنصری باشد که توسط آن می‌توان از جایی به مکان دیگر رفت. چشم‌هایی که با تکثیر حالت جادویی به خود گرفته‌اند می‌توانند نشان‌دهنده‌ی قدرت شکست‌ناپذیر عضوی از بدن باشند که برای خبر دادن از عالم غیب حضور دارند زیرا هر شخصیت به نوبه خود بخشی از ماجرا را از زاویه دید خود روایت می‌کند و داستان به‌صورت پلی فونیک یا چندصدایی پیش می‌رود. نمود این مفهوم را می‌توان در روایت نمایشنامه هم مشاهده کرد. شخصیت‌ها که در ابتدا ادعای بی‌گناهی دارند، کم‌کم رنگ عوض کرده، تغییر می‌کنند و به شخصیت‌های گناهکاری که حتی درخواست اعدام خود را دارند تبدیل می‌شوند. این تغییر شخصیت‌ها بسیار به خاصیت دکله به‌عنوان عنصر تغییر رنگ شباهت دارد (URL6). این تئاتر یک معضل اجتماعی را روایت می‌کند و در آن به ماجرای یک قتل از زاویه دیدهای مختلف می‌نگرد؛



تصویر ۴. پوستر تئاتر امروز سیزده ژوئیه. طراح پوستر: میثم نادری. مأخذ: (URL8)



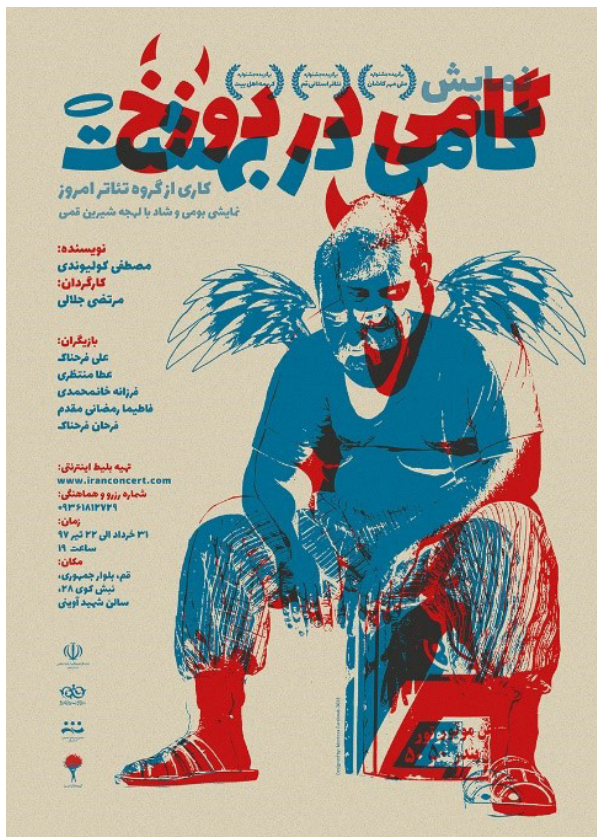
تصویر ۳. پوستر تئاتر دکله. طراح پوستر: متین خیابلی. مأخذ: (URL5)

شخصیت اصلی پوستر با خطوطی که فرم بدن او را به تصویر کشیده‌اند، حس حرکت و انرژی را القا می‌کند. این خطوط به نوعی نمایانگر عدم ثبات و بی‌قراری هستند که در داستان نمایش نیز به چشم می‌خورد. فرم‌های تیز و زاویه‌دار در شاخ‌ها و بال‌ها نیز به تقویت این حس کمک کرده‌اند. نوع نوشته‌ها و سبک تایپوگرافی که در پوستر استفاده شده‌اند، به نوعی با مضمون نمایش همخوانی دارند. فونت‌ها به صورت دستی و نامنظم طراحی شده‌اند که این امر به نوعی بی‌نظمی و آشفتگی را منتقل می‌کند. هم‌چنین، اندازه‌های مختلف متن‌ها نیز توجه مخاطب را به نکات مهم جلب می‌کند و اطلاعات اصلی را به صورت برجسته نشان می‌دهد. دوگانه‌ی فرشته و شیطان در این پوستر به وضوح به چشم می‌خورد. این دوگانگی به نوعی نشان‌دهنده‌ی مبارزه‌ی درونی شخصیت‌ها و تعارض‌های اخلاقی آن‌ها است. در داستان نمایش، شخصیت‌ها در برابر وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرند و باید بین راه درست و نادرست یکی را انتخاب کنند. فرشته و شیطان به‌عنوان نمادهایی از خیر و شر، به خوبی این تعارض را نمایان می‌کنند. یکی از مفاهیم کلیدی در داستان نمایش، امانت‌داری و حفظ ارزش‌های دینی است. در پوستر، این مفهوم به‌صورت ضمنی و با استفاده از نمادهای مذهبی مانند بال‌های فرشته و شاخ‌های شیطان به تصویر کشیده شده است. این نمادها به نوعی نشان‌دهنده‌ی تضاد بین مادی‌گرایی و معنویت هستند که شخصیت‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. شخصیت اصلی پوستر با لباس‌های ساده و حالت نشسته‌ای که دارد، به نوعی نمایانگر فقر و تنگدستی است. این تصویر به خوبی نمایان وضعیت دشوار زندگی شخصیت‌ها و تلاش آن‌ها برای فرار از این

از سه رهبر بزرگ انقلاب کبیر فرانسه است که انقلاب را به ثمر نشانده و جمهوری را برقرار ساخته است. همان‌طور که در تصویر (۴) مشاهده می‌شود رنگ قرمز موج شدیدی از گرما و خشونت را نمایان ساخته است که نشانی از پروس، اتریش، انگلیس و اسپانیا دارد که با لشکری انبوه، فرانسه را محاصره کرده‌اند در پی این اتفاقات نامه‌ای از طرف ویلهلم فردیناند با تأیید ویلیام پیت (نخست‌وزیر وقت انگلیس) نوشته شد که اگر او خاک فرانسه را ترک نکند و این شورش، کشتار و وحشت همین‌جا پایان نپذیرد آن‌ها وارد خاک فرانسه شده و او را خواهند کشت و نیز جمهوری را از بین خواهند برد و نظام پادشاهی را دوباره حاکم خواهند کرد. تصویر (۵)، چهره‌های پریشان و دلسرد به رنگ آبی می‌تواند از تأثیرات گروتسک باشد که برای گیج کردن و حیران کردن استفاده شده است؛ برای اینکه نگاه بیننده را در بخشی از تصویر ثابت نگه دارد و با تکلیفی، او را از شیوه‌های معهود ادراک بیرون بکشاند و وی را با چشم‌اندازی مواجه کند. چراکه گروتسک در قالب ناهمگون در پی آشکارکردن رمز و رازهای نهفته و خلق مجدد جهان است (آدامز و یتس، ۱۳۹۵، ۱۱۷-۱۱۸).

### تجسدگرایی

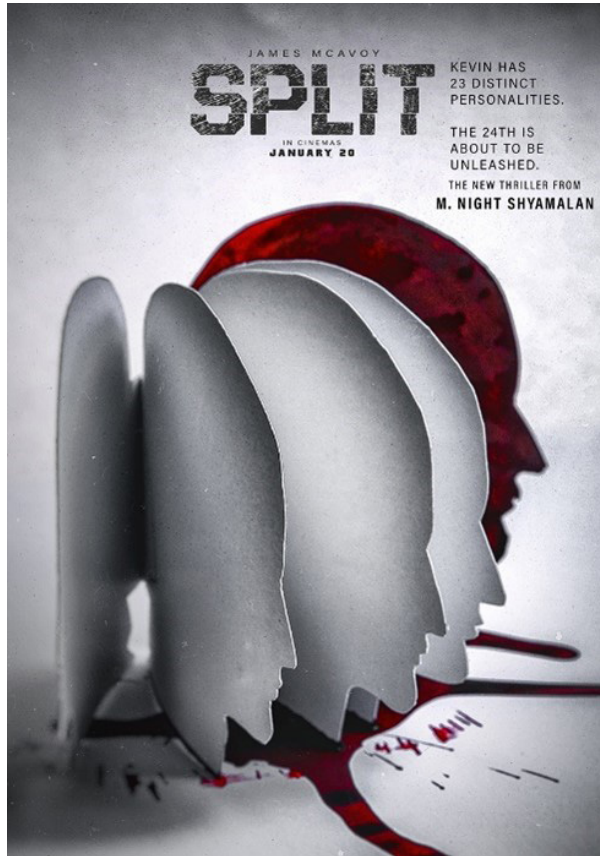
داستان درباره‌ی زندگی مردمی است که ناخواسته به سمت اشتباهی می‌روند و روزهای صادقانه خود را زیر سؤال می‌برند؛ شاید زندگی برزخی ناشی از تنگ دستی و فقر یکی از ابزارهای شیطان باشد برای رسیدن به اهدافی که از بدو خلق آدمی مقابل پروردگار یکتا قسم یاد کرده است. داستان این نمایش بر این اساس است که صاحبخانه، صندوقچه محتوی قرآن خطی از حضرت معصومه (س) از زمان بمباران را در این خانه مخفی می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که این صندوقچه را به او برسانند تا بفروشد و پولش را در اختیار آن‌ها بگذارد تا صاحب خانه شوند. سختی‌های زندگی و تنگی معیشت این خانواده به اندازه‌ای به آن‌ها فشار می‌آورد که حاضر هستند از هر راه خلاقی صاحب این خانه شوند ولی طاهره از این امر جلوگیری می‌کند و قرآن را به متصدیان حرم حضرت معصومه (س) تحویل می‌دهد تا در برابر حضرت معصومه (س) روسپاه نباشد و به خوبی امانت‌داری کرده باشد (URL9). در این رویکرد تجسمی، ظاهری جدید از بدن آشکار می‌شود و شیوه‌های پیچیده‌ای از بازنمایی بدن را ارائه می‌دهد. لذا به واسطه‌ی بدن، گروتسک خودش را در عالم مادی آشکار می‌کند و چنین بدنی ناقص و فاقد اجزای حیاتی است. هم‌چنین می‌توان در آن شاهد آمیزش انسان و غیر انسان نیز بود (امامی، کامرانی، ۱۳۹۸، ۲۵). همان‌طور که در تصویر ۵ دیده می‌شود مرد آبی رنگ فرشته و مرد قرمز رنگ، به‌عنوان دیوی شادخار به تصویر درآمده است. پوستر نمایش گامی در بهشت نمونه‌ای برجسته از هنر گروتسک در دهه ۱۳۹۰ ایران است که با ترکیب عناصر بصری و نمادهای قوی، پیام‌های عمیقی را به مخاطبان خود منتقل می‌کند. این پوستر به وضوح از تکنیک‌های خاصی بهره می‌برد که هر یک به نوعی در بیان مضمون و مفهوم نمایش نقش دارند. استفاده از دو رنگ اصلی قرمز و آبی در این پوستر به خوبی نشان‌دهنده‌ی دوگانگی شخصیت و حالت برزخی است که نمایش به آن پرداخته است. مردی که در تصویر دیده می‌شود به دو رنگ متفاوت تقسیم شده است؛ بخش قرمز به‌عنوان نماد شیطانی با شاخ‌هایی بر سر و بخش آبی که بال‌های فرشته را دارد. این تضاد رنگی نه تنها به جذابیت بصری پوستر افزوده، بلکه به مفهوم کلی اثر نیز عمق بیشتری داده است.



تصویر ۵. پوستر تئاتر گامی در دوزخ، گامی در برزخ، طراح پوستر: مرتضی فرحناک. مأخذ: (URL10)



به دیگر پرتره‌ها می‌تواند در تناسب با شخصیت ۲۴ یعنی هیولا باشد که در انتهای داستان، کنترل ۲۳ شخصیت دیگر را در دست می‌گیرد.



تصویر ۶. پوستر فیلم *Split*. طراح پوستر: بهنام رنجبر خدیوی. مأخذ: (URL11)

### افراط و اغراق

در تصویر (۷) پوستر طعم گیلان با کارگردانی عباس کیارستمی مشاهده می‌شود. در این فیلم، فردی قصد خودکشی دارد و به دنبال شخصی می‌گردد که او را در هنگام دفنش به ازای پاداشی معین شده همراهی کند. عنصر دیگری که گروتسک را مشخص می‌کند، اغراق و زیاده‌روی به معنای، فرارفتن از تعادل و افراط بیش از حد است (تامسن، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۷). از تأثیرات گروتسک می‌توان برای گیج کردن و حیران کردن استفاده کرد؛ برای اینکه نگاه بیننده را در بخشی از تصویر ثابت نگه دارد و با تکانی، او را از شیوه‌های معهود ادراک بیرون بکشاند و وی را با چشم‌اندازی مواجه کند. معنایی که ارزش‌مندی زیستن را قابل دیدن می‌کند، در پوستر حاضر اینگونه به نمایش درآمده است و تصویر مردی دیده می‌شود که به جای نمایش اعضای صورت آن، مخاطب تصویری از یک شخصیت انسانی در کنار تک‌درختی را مشاهده می‌کند. توجه به اتفاقات تکراری و ساده که به شکل اغراق‌آمیزی در کلیت چهره‌ی یک فرد به نمایش درآمده، می‌تواند نمودی از گروتسک را بیان دارد و ارزش‌مندی حیات را با یک عنصر هدفمند و رشدیافته مانند درخت هماهنگ سازد. گروتسک در قالب ناهمگون در پی آشکارکردن رموزهای نهفته و خلق مجدد جهان است (آدامز ویتس، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۸). اندیشیدن درباره‌ی معنای زندگی، مفهومی است که با نگاه کردن به پوستر فوق، دریافت می‌شود. تجربه‌ی زیست فردی در زمان و مکان

شرایط است. در داستان نمایش، فشارهای اقتصادی و اجتماعی به عنوان عواملی که شخصیت‌ها را به سمت تصمیمات نادرست سوق می‌دهند، به‌وضوح بیان شده‌اند. پوستر گامی در بهشت با استفاده از هنر گروتسک و نمادهای قوی، نقدی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه ارائه می‌دهد. این نقد به‌وضوح در تضاد بین فرشته و شیطان و هم‌چنین در شرایط سخت زندگی شخصیت‌ها به چشم می‌خورد. این پوستر به نوعی مردم را به تأمل و بررسی وضعیت خود و جامعه ترغیب می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که در برابر مشکلات و چالش‌ها ایستادگی کنند. پوستر نمایش گامی در بهشت با بهره‌گیری از عناصر بصری قوی و نمادگرایی عمیق، به خوبی توانسته است پیام‌ها و مفاهیم اصلی نمایش را به مخاطبان منتقل کند. استفاده از رنگ‌ها، خطوط، فرم‌ها و نمادهای خاص به همراه تاپوگرافی مناسب، به این پوستر هویتی منحصر به فرد و تأثیرگذار بخشیده است. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه هنر گروتسک می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان مشکلات و چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد و مخاطبان را به تفکر و بررسی بیشتر وادار کند.

### پوسترهای سینمایی

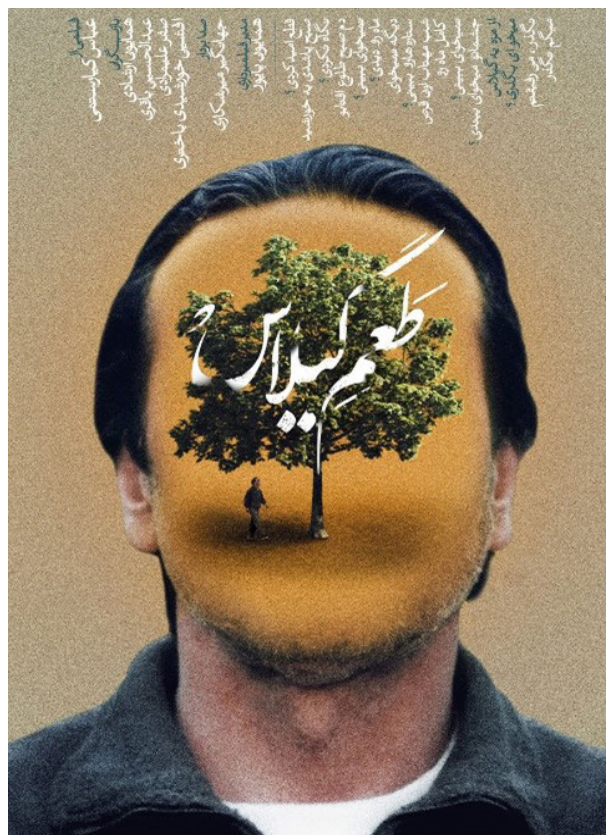
#### ناهنجاری

در تصویر (۶) پوستر *Split* مشاهده می‌شود که در زبان فارسی به معنای شکاف است. با توجه به معنای این کلمه، درهم‌شکستگی در پوستر (۶)، با تحول و درک عمیق‌تری در زندگی همراه می‌شود و واقعیت‌هایی که به فراموشی سپرده شده را به شکلی مرموز به چالش می‌کشد. شکاف نام فیلمی روانشناختی است که در سال ۲۰۱۶ میلادی به نمایش درآمد و راجع به مردی است که دارای ۲۴ شخصیت متفاوت است؛ شخصیت آخر آن به هیولا<sup>۶</sup> معروف است که در آخر توانایی کنترل ۲۳ شخصیت دیگر را دارا می‌باشد. قهرمان داستان دختری به اسم کیسی است که همراه با دوتا از هم‌کلاسی‌هایش توسط مردی به اسم دنیس (که یکی از ۲۴ شخصیت است) ربوده می‌شوند. دنیس دخترها را در اتاقی زیرزمینی زندانی می‌کند و به آن‌ها قول می‌دهد که برنامه‌ی ویژه‌ای برایشان دارد. به نوعی، دخترها نقش غذای مقدسی را دارند که شخصیت ۲۴، یعنی هیولا را زنده خواهند کرد. یک لحظه دنیس، مردی مبتلا به اختلال وسواس شدید است که با فیزیک و میمیک‌های خاصش به خوبی خشونت‌ناکی را که هر لحظه ممکن است آزاد شود به نمایش می‌گذارد؛ لحظه‌ای بعد هدیوگ، پسر ۹ ساله‌ای که نوک زبانی حرف می‌زند؛ لحظه‌ای دیگر، زن رسمی و با ادب انگلیسی به اسم پاتریشا است و به بری، طراح مُد و فشن تبدیل می‌شود. اما شخصیت اصلی وی که در تمایز با تمامی شخصیت‌های دیگر است کوین نام دارد. همان‌طور که در تصویر (۶) مشاهده می‌شود، بدن گروتسک در اینجا، در قالب مقوایی به رنگ سفید به مثابه‌ی روح انسان به نمایش درآمده است و تکرار هر پرتره از انسان با فاصله‌ای نزدیک نشان از همین موضوع دارد. می‌توان بیان داشت که نشانه‌های ظهور گروتسک در پوستر حاضر به دلیل تأثیر ویژه‌ای که داشته، به صورت سلاخی تهاجمی به کار گرفته شده است. تمایزات ناشی از شکاف در جهت تکرار هماهنگ چهره‌هایی شبیه به هم و در انتها تغییر رنگ یکی از آن‌ها به رنگی متفاوت، می‌توان مفاهیمی چون نظم در کنار آشفتگی، وضوح در برابر ناشناختگی را دریافت کرد (سادات حسینی، شریفی ولدانی و طغیانی اسفرجانی، ۱۳۹۷: ۲۸؛ به نقل از لوتز آدامز ویتس، ۱۳۹۴: ۸۱). لذا رنگ خونین پرتره و متفاوت بودن آن نسبت

به عنوان نمادی از دوگانگی زندگی و مرگ در نظر گرفته شود. انسانی که در پوستر دیده می‌شود، به دنبال کسی است تا او را پس از خودکشی دفن کند. این انسان که در کنار درختی ایستاده، شاید نشان‌دهنده‌ی تلاشی برای یافتن معنایی در زندگی و یا حتی در مرگ باشد. این تضاد بین زندگی (درخت) و مرگ (خودکشی)، مفهوم گروتسک را تقویت کرده و مخاطب را به تفکر درباره ارزش زندگی و چالش‌های مرتبط با آن وامی‌دارد. پوستر هم‌چنین از لحاظ بصری بسیار جذاب و تأمل‌برانگیز است. استفاده از رنگ‌ها و ترکیب‌بندی تصویر به گونه‌ای است که نگاه مخاطب را به خود جلب کرده و او را درگیر می‌کند. قرارگرفتن درخت در مرکز چهره و انسان در زیر آن، به گونه‌ای هنرمندانه تعادل و هماهنگی را به تصویر کشیده است. این هماهنگی بصری با موضوع عمیق و پیچیده‌ی پوستر در تضاد است و این تضاد باعث می‌شود که مخاطب بیشتر به عمق تصویر فکر کند. از سوی دیگر، پوستر طعم گیللاس به‌طور هنرمندانه‌ای از فضا و ترکیب‌بندی استفاده کرده است تا پیام خود را منتقل کند. فضای خالی اطراف درخت و انسان، حس تنهایی و انزوای فرد را تقویت می‌کند. این فضای خالی می‌تواند نمادی از احساسات درونی شخصیت اصلی فیلم باشد که در جست‌وجوی معنا و یا فرار از واقعیت‌های زندگی است. در مجموع، پوستر فیلم طعم گیللاس با استفاده از تکنیک‌های گروتسک و نمادگرایی، تصویری عمیق و چندلایه از موضوعات زندگی و مرگ، ارزش حیات و چالش‌های انسانی ارائه می‌دهد. این پوستر با ترکیب هنرمندانه‌ی عناصر بصری و مفاهیم فلسفی، مخاطب را به تفکر و تأمل درباره‌ی مسائل بنیادی زندگی وامی‌دارد. استفاده از درخت به جای صورت انسان، تأکید بر رابطه‌ی پیچیده و متقابل بین انسان و طبیعت، و استفاده از فضای خالی برای نمایش احساسات درونی شخصیت، همگی به این پوستر یک عمق و معنا بخشیده‌اند که آن را از یک تصویر ساده به یک اثر هنری تفکربرانگیز تبدیل کرده است.

### نتیجه

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم گروتسک در پوسترهای فرهنگی معاصر ایران به معنای نمایش پیکره در رابطه با طبیعت و زندگی وارونه است؛ که وجهی مبهم را نیز بیان می‌دارد. هم‌چنین مفهوم گروتسک به آشفتگی‌ها، دگرگونی‌ها و ترس‌های انسان می‌پردازد که کارکردی انتقادی و اجتماعی یافته است. تجربه‌ی زیست فردی نیز در جهان هستی در کنار الگوی زیبایی‌شناسی متأثر از نگاه باختین، سبب ایجاد مرزی نامشخص در آثار گردیده که ویژگی‌های شاخص گروتسک را در هنر معاصر شکل می‌دهد. نمود بدن گروتسک در پوسترهای فرهنگی معاصر ایران را می‌توان در ۶ بخش، دسته‌بندی کرد. در پوستر تئاتر به وقت پازولینی می‌توان نمودی از ناهماهنگی از بدن گروتسک را مشاهده کرد. ناهماهنگی به معنای آمیختگی اجزای متفاوت است. عنصر ناهماهنگی در پوستر تئاتر به وقت پازولینی را می‌توان بیرون آمدن دست‌ها از میان قاب عینک به حساب آورد که این امر نمودی از گروتسک به شمار می‌رود. در پوستر تئاتر طوروپ طرب نیز می‌توان عنصر وحشت‌آور و خنده‌آور را مشاهده کرد. بدین صورت که در این پوستر مرگ شخصیتی به صورت اسکلت به نمایش درآمده که دارای لباسی منقوش و در حال خوشی و شادی است که این مفهوم ارتباطی مستقیم با ویژگی بدن گروتسک دارد. درواقع، این مهم‌نشان از بدنی دارد که به انتها رسیده، اما در مقابل



تصویر ۷. پوستر فیلم طعم گیللاس. طراح پوستر: پیمان طاهری پور. مأخذ: (URL12)

خاص، پیوند میان هنر و زندگی را ممکن می‌سازد (Bakhtin, 1990, 1). هردوی این عناصر، شکل‌هایی از بازنمایی‌اند که پیرامون گفت‌وگومندی درک می‌شوند (Holquist, 2002, 109). پوستر فیلم طعم گیللاس اثر عباس کیارستمی، با ترکیبی از نمادگرایی و عناصر گروتسک، تصویری عمیق و تأثیرگذار از مبارزه انسان با مرگ و ارزش زندگی ارائه می‌دهد. در این پوستر، چهره‌ی مردی که جایگزین اجزای صورتش تصویری از یک درخت و انسانی کوچک در کنار آن شده است، به طرز هوشمندانه‌ای بیانگر تلاقی زندگی و مرگ، رشد و ناامیدی است. نخستین عنصری که در این پوستر به چشم می‌خورد، استفاده از درخت به جای صورت انسان است. درخت در بسیاری از فرهنگ‌ها به عنوان نمادی از زندگی، رشد و پایداری شناخته می‌شود. درختی که در این پوستر به جای صورت انسان قرار گرفته، نه تنها مفهوم زندگی و پایداری را به تصویر می‌کشد، بلکه با نمایش انسانی کوچک در کنار آن، بر رابطه پیچیده و متقابل بین انسان و طبیعت تأکید دارد. این انتخاب نمادین به‌طور ضمنی نشان‌دهنده این است که حیات انسانی با طبیعت گره خورده و هرگونه جدایی از آن، به نوعی نفی زندگی است. استفاده از تکنیک گروتسک در این پوستر، به‌وضوح در محو کردن چهره‌ی مرد و جایگزینی آن با درخت و انسان دیده می‌شود. این تکنیک باعث می‌شود که مخاطب از شیوه‌های معمول ادراک فاصله بگیرد و با یک تصویر غیرمعمول و نامتعارف روبه‌رو شود که او را به تفکر و تأمل وامی‌دارد. از سوی دیگر، اغراق در نمایش عناصر پوستر، گیجی و حیرانی مخاطب را افزایش داده و او را مجبور می‌کند که معنای نهفته در تصویر را کشف کند. ترکیب چهره‌ی انسانی با درخت، می‌تواند

از حالت طبیعی خود خارج شده و در ظاهری جدید، آشکار می‌شود که روشی نو از بازنمایی بدن را ارائه می‌دهد. در پوستر فیلم *Split* نیز از ویژگی ناهنجاری استفاده شده است. کاربرد مقوای سفید به‌عنوان روح انسان و تعدد آن نیز نشانی از شخصیت‌های متفاوت داستانی است که مورد آخر آن با نام هیولا، به رنگ قرمز درآمده که خون از آن می‌چکد. در این پوستر مفهوم نظم در مقابل معنای آشفتگی به کار رفته است. در آخر نیز در پوستر طعم گیللاس از افراط و اغراق که از ویژگی‌های گروتسک به‌شمار می‌رود استفاده شده است. طراح پوستر از تصویر ساده‌ی درخت و شخصیتی که در کنار آن ایستاده به‌صورت اغراق آمیز در داخل چهره‌ی شخصیت اصلی داستان مفهوم ارزش زندگی و حیات را توسط درخت، به جای چهره استفاده کرده است.

به همراه مفهوم طنز، نوازندگی و رقص، به جایگاه جدیدی دست یافته است. در پوستر تئاتر دکلمه نیز عنصر رشد و تکثیر دیده می‌شود. به دلیل تعدد شخصیت‌ها در روایت داستانی پوستر مورد نظر، طراح از چشم‌های زیادی جهت نشان دادن این مفهوم استفاده کرده است. چراکه چشم جایگاه مهمی از بدن به‌شمار می‌رود که توسط آن می‌توان از حیات خود محافظت نمود. علاوه بر آن، وارونه‌شدن تصویر انسانی در این پوستر نیز نمودی از سرنوشت متفاوت از یکدیگر شخصیت‌های داستانی آن است. در پوستر تئاتر/ امروز سیزده ژوئیه نمودی از عنصر افراط و اغراق نشان داده شده است. در این پوستر رنگ قرمز نشان از خشونت است. چهره‌های آشفته‌ی درون شعله‌ی آتش نیز به رنگ آبی، نمودی از تأثیرات گروتسک محسوب می‌شود. در پوستر تئاتر گامی در دوزخ، گامی در بهشت نیز، نمودی از ویژگی تجسدگرایی مشاهده می‌شود. چراکه در این پوستر آمیزش انسان و غیر انسان دیده می‌شود. بدین صورت که بدن

### پی‌نوشت‌ها

1. Grottesque.
2. Carnival.
3. Bakhtin.
4. Rabelais.
5. Monster.

### فهرست منابع

- چهل سال اخیر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، پردیس بین‌المللی فارابی.
- وطنی شه‌میرزادی، امین (۱۳۹۲). مطالعه نشانه‌های تصویری در اعلان‌های دوران انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد.
- نلسون، رابرت اس نلسون؛ شیف، ریچارد (۱۳۹۵). مفاهیم بنیادی تاریخ هنر. ترجمه مه‌ران مهاجر و محمد نبوی، تهران: مینوی خرد.
- نولز، رونلد (۱۳۹۳). شکسپیر و کارناوال پس از باختین. ترجمه رؤیا پوراآذر، تهران: هرمس.
- Bakhtin, M. M. (1984), *Introduction. Rabelais and His World*. Trans. Helene Iswolsky, Bloomington: Indiana University Press, 1-58.
- Bakhtin, M. M. (1990), *Art and Answerability: Early Philosophical Essays* by M.M. Bakhtin, edited by Michael Holquist and Vadim Liapunov, University of Texas Press.
- Dentith, S. (2005), *Bakhtinian Thought: An Introductory Reader*, New York: Routledge.
- Edward, J. and Rune G. (2013), *Grottesque*, New York: Routledge.
- Haynes, D. (1995), *Bakhtin and Visual Arts*, Cambridge University Press.
- Holquist, M. (2002), *Dialogism: Bakhtin and His World*, London: Routledge.
- Ruck, N. (2009), *Some Historical Dimensions of the 'Dialogical Body': From Bakhtin's Dialogical Grottesque Body to the Monological Body of Modernity*.
- Selden, R., & Widdoson, P. (1993), *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*, New York: Harvester Wheatsheaf.
- URL1: B2n.ir/k79292 (Access date 28/12/2023).
- URL2: <http://posteriran.ir/iranian-poster-designers/p/437-mehdir-aygani> (Access date 29/12/2023).
- URL3: <http://posteriran.ir/iranian-poster-designers/p/493-saeed-shokrmia> (Access date 28/12/2023).
- URL4: <https://theater.ir/fa/38985> (Access date 29/12/2023).
- URL5: <http://posteriran.ir/iranian-poster-designers/p/475-matin-kheybali> (Access date 27/12/2023).

- آدامز، جیمز لوتر؛ ویتس، ولیسون (۱۳۹۵). گروتسک در هنر و ادبیات. ترجمه: آتوسارستی. تهران: قطره.
- اسدالهی، مصطفی (۱۳۹۶). طراح‌ی پوستر. تهران: فاطمی.
- افتخاری یکتا، شراره؛ نصری، امیر (۱۳۹۵). نمود بدن گروتسک در نقاشی‌های محمد سیاه قلم بر مبنای اندیشه‌ی میخائیل باختین. هنرهای زیبا، ۶۷، ۲۰-۲۱. Doi: 10.22059/jfava.2016.59652
- افشارمهاجر، کامران (۱۳۹۱). گرافیک تبلیغات چاپی در رسانه‌ها. تهران: سمت.
- امامی، مونا؛ کامرانی، بهنام (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های «بدن گروتسک» در چهار نقاش معاصر ایران، هنر و معماری. *کیمیای هنر*، (۳۳)، ۲۱-۳۹. <http://noo.rs/dTMar>
- پاکباز، رویین (۱۳۹۹). *دایرةالمعارف هنر*، جلد یکم. تهران: فرهنگ معاصر.
- تالکین، جی آر آر (۱۳۸۵). *درخت و برگ*. ترجمه: مراد فرهادپور، چاپ اول. تهران: طرح نو.
- تامسن، فیلیپ (۱۳۹۰). گروتسک در ادبیات. ترجمه غلامرضا امامی، شیراز: نشر نوید.
- سادات حسینی، فرشته؛ شریفی ولدانی، غلامحسین و طغیانی اسفرجانی، اسحاق (۱۳۹۷). بررسی گروتسک، و سیر و پیشینه آن در ایران. *تاریخ ادبیات*، ۱۱(۲)، ۵۳-۲۷. Doi: 10.48308/hlit.2019.98911
- فهمی‌فر، اصغر؛ مهنرگار، منصور؛ سینکی، صبا و طباطبایی بافقی، سید محمدتقی (۱۳۹۲). ویژگی‌های حروف‌نگاری فارسی در طراحی اعلان در گرافیک ایران، نگره، (۲۵)، ۸۹-۱۰۳.
- [https://negareh.shahed.ac.ir/article\\_97.html](https://negareh.shahed.ac.ir/article_97.html)
- قلی‌پور بلسی، زهرا (۱۳۹۸). کارناوال‌گرایی در هزار و یک شب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان.
- محمدزاده، آرزو (۱۳۹۷). تحلیل زیبایی‌شناسی پوستره‌های انقلاب اسلامی دهه شصت (مطالعه موردی پوستره‌های حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر*، دانشکده هنر شوشتر، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مهدوی، شادی (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ادبیات گروتسک بر تصویرسازی

- URL9: B2n.ir/n51015 (Access date 27/12/2023).  
URL10: B2n.ir/z09642 (Access date 1/2/2024).  
URL11: <http://posteriran.ir/iranian-poster-designers/p/601-behnam-ranjbar-khadivi> (Access date 27/12/2023).  
URL12: <https://B2n.ir/z35501> (Access date 27/12/2023).
- URL6: <https://psarena.ir/dekolore-theater-review/> (Access date 1/2/2024).  
URL7: B2n.ir/n03797 (Access date 1/2/2024).  
URL8: <http://posteriran.ir/iranian-poster-designers/p/654-meysam-naderi> (Access date 28/12/2023).